

سینمای انگلستان



Hamlet

هاملت

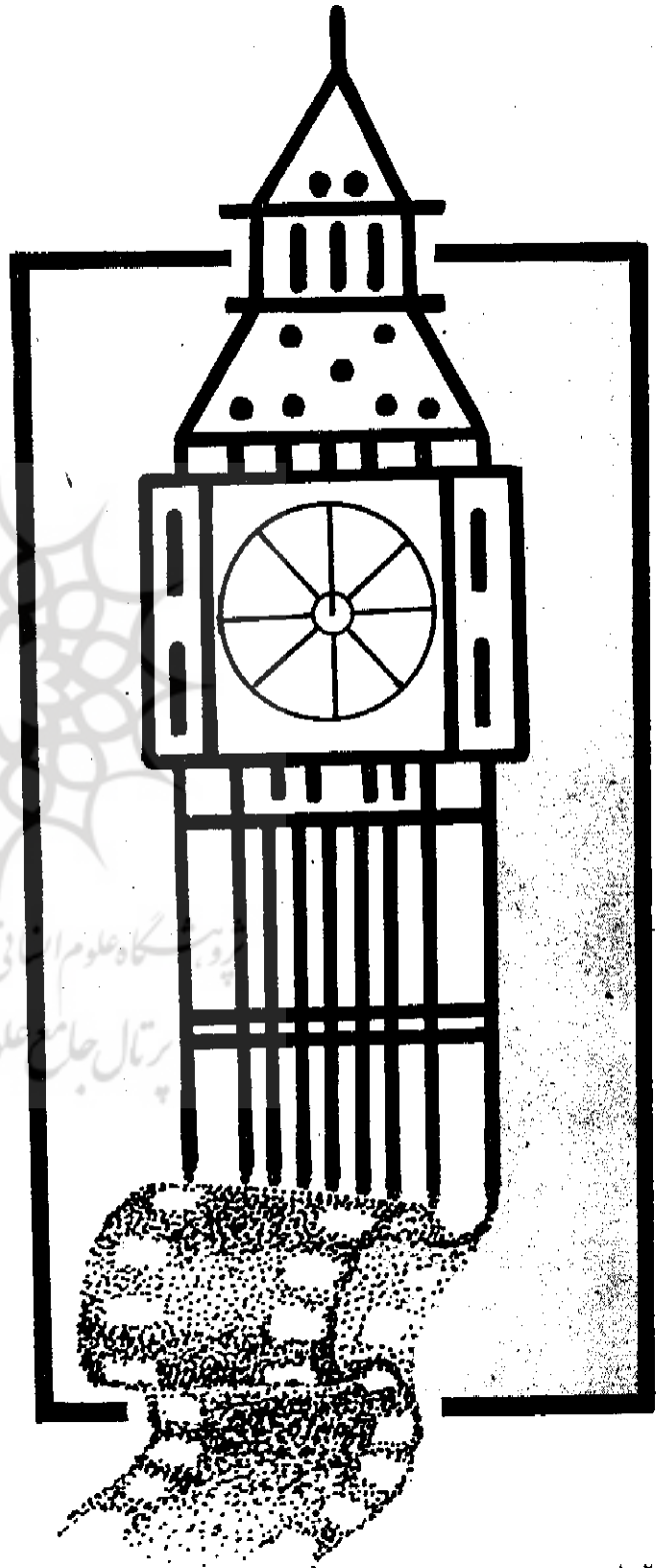
تهیه کننده و کارگردان: لارنس اولیویه. نویسنده فیلمنامه: آرن دنت، براساس نمایشنامه‌ای از ویلیام شکسپیر. فیلمبردار: دزموند دیکینسون. طراح صحنه: راجر فرس، راجر دیلون. موسیقی: ویلیام والتون.

بازیگران: لارنس اولیویه، جین سیمونز، فلیکس آیلمر، آیلین هرلی، بازیل سیدنی، نورمن وولند، ترنس مورگان، پتر کاشینگ، استلی هالووی، جان لوری، آتونی کوایل.

محصول تو سینتر، ۱۵۵ دقیقه. انگلستان ۱۹۴۸

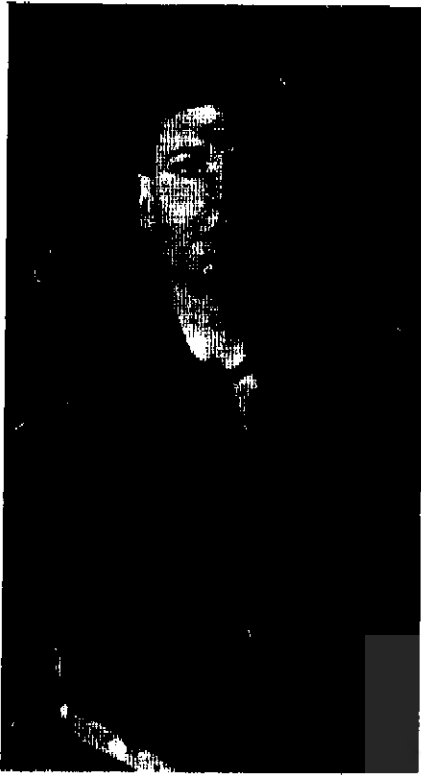
خلاصه داستان: روح پدر هملت شاهزاده دانمارکی ظاهر می شود و با بازگویی ماجرای قتلش از هملت می خواهد که انتقام بگیرد. ولی اندیشیدن طولانی و تعلل او فاجعه آفرین می شود.

بسیاری از منتقدین با برداشت لارنس اولیویه از هاملتی که در چنگال عقده اودیپ اسیر است و همچنین با حذف شخصیت فورتینبراس مخالفت کرده اند، اما هیچ یک از این مطالب به معنای انکار کیفیت های همه جانبه فیلم نیست.



هنری پنجم

Henry V



کارگردان: لارنس اولیویه. نویسندگان فیلمنامه: لارنس اولیویه، آلن دنت، برمنای نمایشنامه‌ای نوشته ویلیام شکسپیر. فیلمبرداران: رابرت کراسکر، جک هیلدیارد. طراح صحنه: پل شریف. موسیقی: ویلیام والتن. طراح لباس: راجر فرس. تدوین: رچینالد بک.

بازیگران: لارنس اولیویه (هنری پنجم)، رابرت نیوتون، لسلی بنکس، رنه اشرسون (شاهزاده خانم کاترین)، لیوگن، فلیکس آیلمر، لئو جن، از موند نایت.

محصول تویستیز، ۱۷۲ دقیقه. انگلستان ۱۹۴۴

خلاصه داستان: پس از مرگ هنری چهارم، بزرگترین پسر او به نام «هال» تاجگذاری می‌کند و ملقب به هنری پنجم می‌شود. شوالیه‌ها با این امر مخالفت می‌کنند. او که موقعیت خود را در خطر می‌بیند تصمیم به از بین بردن مخالفان می‌گیرد. او ابتدا سه مخالف اصلی خود را با دسیسه از میان برمی‌دارد، سپس با فرانسویان به جنگ می‌پردازد و در مهم‌ترین آن «آژن کور» پیروز می‌شود و با «کاترین» شاهزاده فرانسوی ازدواج می‌کند.

این نخستین فیلمی بود که از روی آثار شکسپیر ساخته شد و نه تنها تحسین بسیاری از منتقدین را برانگیخت، بلکه با استقبال همگان در سطحی وسیع نیز روبرو شد. در ضمن این نخستین فیلم ساخته شده از روی آثار شکسپیر است که رنگی است و برای بیان فکر، از تک‌گویی، که از حاشیه صدا شنیده می‌شود، ولی در تصویر دیده نمی‌شود، استفاده می‌کند. در قسمت اعظم فیلم بیننده در مقابل دو سطح متفاوت واقعیت قرار دارد - نمایشنامه‌ای که در تئاتر گلوب اجرا می‌شود، و دنیای خیال که همسرای پیش‌درآمد آن است.

هنری پنجم موفق به کسب جایزه اسکار برای لارنس اولیویه به دلیل درخشش به عنوان بازیگر، تهیه‌کننده و کارگردان فیلم در سال ۱۹۴۶ گردید. همچنین جایزه متقدان فیلم نیویورک را به خاطر بازی اولیویه و جایزه ویژه جشنواره فیلم ونیز را کسب نمود.

جدافتاده

Odd man out

کارگردان: کارول ریڈ. نویسندگان فیلمنامه: آر.سی. شریف، اف.ال. گرین، برمنای رمانی از اف.ال. گرین. فیلمبردار: رابرت کراسکر. طراح صحنه: راجر فرس، رالف بریتون. موسیقی: ویلیام آلوین.

بازیگران: جیمز میسون، رابرت نیوتون، کاتلین رایان، اف.جی. مک کورمیک، دنیس اودیبا، فی کامپتون، دن اوهرلیهی، مورین دلانی.

محصول تویستیز، ۱۱۵ دقیقه. انگلستان ۱۹۴۷

خلاصه داستان: جانی مک کوبین (میسون) رهبر یک سازمان سیاسی غیرقانونی در ایرلند شمالی، در جریان حمله به بانک به منظور تامین پول لازم برای سازمان، زخمی می‌شود. پلیس، در حالی که نامزد جانی (رایان) تلاش می‌کند کمکش کند، در سراسر شهر در جستجو و تعقیب اوست. کسانی که با جانی در تماس هستند سعی می‌کنند به‌انحای مختلف کمکش کنند، اما نمی‌خواهند آلوده ماجرای او شوند. نامزدش سعی می‌کند او را نزد کشیش محلی ببرد، اما لو می‌رود و سپیده دم، پلیس هردو را تیرباران می‌کند.

این فیلم ارزشمند، کارول ریڈ را در مقام کارگردانی بزرگ تثبیت کرد. موضوع فیلم بی‌شک به فیلم بندر مه‌آلود (مارسل کارنه) نیست، در حالی که فکر تعقیب و گریز در خیابان‌های شهر از فیلم‌های ام (فریش لانگ) و خیرچین (جان فورد) گرفته شده است.

انتخاب آقای هابسن

Hobson's choice



کارگردان: دیوید لین. نویسندگان فیلمنامه: دیوید لین، نورمن اسپنسر، براساس نمایشنامه «انتخاب هابسن» نوشته هارولد برگهائوس. فیلمبردار: جک هلندیارد. موسیقی: مالکولم آرنولد. بازیگران: چارلز لاتون، جان میلز، ریچارد وایتس، هلن هیز، دافنه آندرسن، پروئل اسکلز. سیاه و سفید، محصول سال ۱۹۵۴، به مدت ۱۰۷ دقیقه، انگلستان.

خلاصه داستان: مردی دائم الخمر به نام «هابسن» که صاحب یک مغازه کفاشی است، با سه دخترش در یکی از شهرهای کوچک انگلیس روزگار می‌گذراند. دختران هابسن خواستار ازدواج با مردان مورد علاقه خود هستند، ولی او به بهانه‌های مختلف با آنها مخالفت می‌کند. یکی از دخترها به نام «مگی»، به رغم مخالفت پدرش با مرد مورد علاقه خود «ویلی» که یکی از کارگران کفاشی پدرش است ازدواج می‌کند. این وصلت، کندورت میان پدر و دختر، و اخراج ویلی از مغازه را باعث می‌شود. ویلی با تلاش بسیار و همیاری همسرش موفق می‌شود یک مغازه تولید کفش راه بیندازد. هابسن که در نبود «مگی» با افراط در میخوارگی زندگی‌اش متشنج تر شده، با ایجاد دردسر برای خود در حین مستی، برای چاره‌جویی دست به دامان مگی و ویلی می‌شود. مگی حاضر می‌شود در صورت موافقت پدرش مبنی بر شریک شدن ویلی در مغازه او، به نزدش بازگردد. هابسن برای بهبود اوضاع نابسامانش این پیشنهاد را می‌پذیرد.

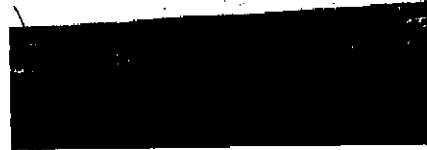
۱۹۸۴

Nineteen Eighty-Four

کارگردان: مایکل رادفورد. نویسندگان فیلمنامه: مایکل رادفورد، جانانان جیمز، براساس کتابی به همین نام از جورج اورول.

فیلمبرداران: راجر دیکینز، آندریو اسپلر، دیک پوپ. تدوین: تام پرستلی. موسیقی: دومینیک مالدونی، گروه ارتیمیکس. اشعار آوازه: مالدونی، جانانان جیمز، جورج اورول. تهیه‌کننده: سیمون پری. طراح لباس: اما پورتوس. طراح صحنه: آلن کامرون. بازیگران: جان هارت (وینستون اسمیت)، ریچارد برتون (اوبراین)، سوزان هملتون (جولیا)، سیریل کوساک (چارنیگتون)، گریگور فشر، جیمز واکر، آندریو وایلد. محصول انگلستان، ۱۱۰ دقیقه، سال ۱۹۸۴.

خلاصه داستان: وینستون اسمیت، یکی از اعضای «حزب خارجی» در نوار هوایی شماره یک، که نام آن قبلاً لندن بوده زندگی می‌کند. این شهر اکنون پایتخت اقیانوسیه، یکی از سه ابرقدرت جهان است که حکومتی مطلقه دارد و تحت کنترل «حزب داخلی» به ریاست برادر بزرگ است. وینستون به رغم شغل ملال‌آوری که در «وزارت حقیقت» دارد چنان‌که نشان می‌دهد آدم چندانی معتقدی نیست. یک روز، پس از شرکت در مراسم اجباری «دو دقیقه نفرت» به آپارتمان محقر و کثیف خود که یک تله اسکرین (دستگاه فرستنده و گیرنده تلویزیونی) در آن نصب شده و کلیه حرکات او را مخابره می‌کند بازمی‌گردد تا نوشتن یادداشت‌های روزانه‌اش را - که عملی کاملاً غیرقانونی است - آغاز کند. او همچنین به‌طور مرتب به کافه درخت بلوط پاتوق هنرمندان و مخالفان، و مغازه عتیقه‌فروشی آقای چارنیگتون در محله کارگری و فقیرنشین شهر رفت‌وآمد می‌کند. رفت و آمدهای وینستون باعث سوءظن دونفر می‌شود: اوبراین، یکی از اعضای حزب داخلی، که وینستون به فعالیت او در جنبش زیرزمینی مقاومت تردید دارد، و جولیا، یکی از همکاران او احساسی از ترس، کینه و تمنا در وینستون به وجود می‌آورد. اما پس از آن که جولیا، به رغم ظاهر مطیع و فرمانبردارش یادداشتی به وینستون رد می‌کند که روی آن نوشته: «دوست دارم» اوبراین، وینستون را به منزل مجلل خود دعوت می‌کند تا آخرین نسخه چاپی فرهنگ «گفتار جدید» را به او عرضه کند، و وینستون نیز در عوض نسخه‌ای از کتاب گمراه‌کننده نظریه و عمل «الیگارشسی جمعی» را به او می‌دهد که نویسنده آن امانوئل گلد اشتاین، از رهبران سابق حزب داخلی که مورد غضب برادر بزرگ قرار گرفته و از مقام خود خلع شده و اینک به‌عنوان دشمن



ملت شناخته می‌شود، است. وینستون و جولیا به زودی دستگیر می‌شوند و برای شستشوی مغزی به «وزارت عشق» فرستاده می‌شوند. در آنجا او براین، وینستون را تحت شکنجه‌های منظم جسمی و روحی قرار می‌دهد و سرانجام او را به اتاق ۱۰۱ می‌فرستد که هولناک‌ترین چیزی که هر قربانی به آن حساسیت دارد در آن یافت می‌شود. در پایان وینستون اصول دوگانه باوری را می‌پذیرد و می‌آموزد که تنها به برادر بزرگ مهر بورزد. سپس آزاد می‌شود تا به زندگی‌اش ادامه دهد. اینکه او انسانی الکلی و درهم شکسته و از پای درآمده است.

سفید پوش

Man in the white suit

کارگردان: آلکساندر مکندرریک. نویسندگان فیلمنامه: راجر مک دوگال، جان دایتون، آمکندرریک. فیلمبردار: داگلاس اسلوکومب. طراح صحنه: جیم موراهان. موسیقی: بنجامین فرانکل. تدوین: بنجامین گریبل. بازیگران: آلک گینس، جون گرینود، سیل پارکر، ویدا هوپ، ارنست تسیچر، مایکل گاف، هوارد ماریون کرافورد.

محصول ایلینگ استودیوز. سیاه و سفید، ۸۵ دقیقه. انگلستان سال ۱۹۵۱.

خلاصه داستان: مخترعی (گینس) که در مقام دستیار آزمایشگاه در کارخانه نساجی کار می‌کند، پارچه‌ای اختراع می‌کند که هرگز فرسوده و کثیف نمی‌شود. به دنبال مخالفت‌های اولیه، یک کارخانه‌دار (پارکر) و دخترش (گرینود) حمایتش می‌کند. اما اتحادیه‌های کارگری و صاحبان کارخانجات متحد می‌شوند تا پارچه به بازار نیاید. در پایان، درحالی که «مردی با لباس سفید» را تعقیب می‌کنند پارچه تکه تکه می‌شود.

این داستان طنزآلود سرگرم‌کننده، دست‌انداختن آمیخته با شوخی، رسوم و قراردادها است. در این فیلم از تدوین و صدا استفاده هوشمندانه‌ای می‌شود. این فیلم یکی از بهترین فیلم‌های مکتب کمدی بعد از جنگ انگلیس است که متأسفانه زود روبه‌زوال نهاد.

الیور توئیست

Oliver Twist

کارگردان: دیوید لین. نویسندگان فیلمنامه: دیوید لین، استلی هاینز، براساس داستانی از چارلز دیکنز. فیلمبردار: گای گرین. موسیقی: آرنولد باکس. طراح صحنه: جان براین. تهیه‌کننده: رونالد نیم.

بازیگران: الک گینس، جان هوارد داویز، رابرت نیوتن، کی والش، فرانسیس ال سولیوان، آنتونی نیولی، هنری استیفنسون، مری کلر، گیب مک لافلین، دینا دورس. سیاه و سفید، محصول سال ۱۹۴۸، انگلستان به مدت ۱۰۵ دقیقه.

خلاصه داستان: زن بارداری در توفانی از رعد و برق و ظلمت شب به سوی نامعلومی در حرکت است. در اثر فشار محیط ناچار می‌شود به محلی پناه ببرد. بعد از وضع حمل از دنیا می‌رود و پسرش را که بعدتر «اولیوز» نام می‌گیرد، تنها می‌گذارد. پیرزن خدمتکاری هم نشان خانوادگی زن را پس از مرگ از گردنش می‌دزد. اولیوز بی‌هویت، سفر پرفراز و نشیبی را در زندگی آغاز می‌کند. سال‌هایی را در پرورشگاه و مدتی را به‌وردستی مامور کفن و دفنی می‌گذراند و بالاخره در لندن به دام دارودسته شرور «فاگین» می‌افتد و سرآخر طی حوادثی به‌مدد پدر بزرگ و سایر دوستانش به هویت و رستگاری می‌رسد.

توفیق فیلم بیشتر از آن «چارلز دیکنز» است. رمان «اولیور توئیست» آن قدر در خود توان و قابلیت دارد که سرپا بماند. تمام «اولیور»‌های ساخته‌شده در تاریخ سینما همه به‌نوعی جداوند. پسرک یتیمی، رهانشده در دنیای پرشقاوت و ... فی‌نفسه در خود جاذبه‌های لازم و اولیه دراماتیک را دارد.



تنهایی یک دونده استقامت The loneliness of the long distance runner

کارگردان: تونی ریچاردسون. نویسنده فیلمنامه: آلن سیلیتو، بر مبنای داستان کوتاهی نوشته خودش. فیلمبردار: والتر لاسالی. تدوین: آنتونی گیس. موسیقی: جان آدیسون. بازیگران: مایکل ردگریو، تام کورتی، اولیس بانج، الک مک کوان، جیمز بولام، جو رابینسون، جولیا فاستر.

سیاه و سفید، محصول سال ۱۹۶۲ انگلستان.

خلاصه داستان: «کالین اسمیت» جوان انگلیسی به اتهام دزدی به زندگی در یک دارالتأدیب محکوم می‌شود. وی گذشته و زندگی خانوادگی دردناکی را پشت سر گذارده است. در دارالتأدیب، در یک مسابقه «دو استقامت»، برنده می‌شود. مورد توجه رئیس دارالتأدیب واقع می‌شود. اما در روز مسابقه نهایی، اجازه می‌دهد حریفش، که از او عقب مانده، او را پشت سر بگذارد.

Great Expectations

آرزوهای بزرگ

کارگردان: دیوید لین. نویسنده فیلمنامه: دیوید لین، رونالد نیم، آنتونی هاولوک آلن، کی والش، سیل مک گیورن، بر اساس داستانی از چارلز دیکنز. کارگردان هنری: جان بریایان. صدپه فیلمبرداری: گای گرین. تدوین: جک هریس. موسیقی: والتر گوهر.

بازیگران: جان میلز (آقای پیپ)، آنتونی وجر (کودکی پیپ)، والری هابسن (استلا)، جین سیمونز (کودکی استلا)، برنارد مایلز (جو گارجری)، فرانسیس ل. سولیوان (جگرز)، فیملای کوری (مگ ویچ)، الک گیس (هربرت پاکت)، جان فارست (کودکی هربرت)، مارتینا هانت (خانم هاویشام)، ایور برنارد (ودمیک)، فره داجکس (خانم جو)، تورین تاچر (بتلی درومیل)، ایلین ارسکین، هی پتری، جرج هیس، ریچارد جورج.

سیاه و سفید، محصول سال ۱۹۴۷ به مدت ۱۱۸ دقیقه انگلستان.

خلاصه داستان: «پیپ» کودک یتیمی است که توسط خواهرش «گارجری» و همسر وی «جو گارجری» نگهداری می‌شود. پیپ به‌خانه بزرگ «هاویشام» دعوت می‌شود تا همبازی «استلا» باشد. خانم «هاویشام» پیرزن ثروتمند و نیمه‌دیوانه است که در یک خانه کهنه با خاطراتش زندگی می‌کند. «پیپ» خود را علاقمند به «استلا» می‌یابد، هرچند «استلا» علاقه‌ای به او ندارد. «پیپ» که دیگر بزرگ شده به‌عنوان دستیار و کارآموز نزد جو «گارجری» به کار آهنگری مشغول می‌شود، تا اینکه «جگرز» (که یک مشاور حقوقی در لندن است) به ملاقات پیپ می‌آید و به‌وی می‌گوید ثروت هنگفتی از جانب فردی که مایل نیست نامش فاش شود به او رسیده و او دیگر مرد ثروتمندی است. «پیپ» روستا را ترک کرده و به‌شهر لندن می‌رود و اتفاقی با مشارکت «هربرت پاکت» به‌دست می‌آورد. در لندن او با «استلا» دیدار می‌کند و بدین وسیله روابط بین آنها از سر گرفته می‌شود. در یک شب «پیپ» با حامی خود «ایبل مگ ویچ» روبرو می‌شود و درمی‌یابد که او همان بانی خیر ماجرا است. «پیپ» در کودکی در فرار «ایبل مگ ویچ» که از زندان گریخته بود به او کمک کرده است. «مگ ویچ» پس از بازگشت از خارج کشور به‌عنوان مردی ثروتمند توسط یک دشمن قدیمی تحت تعقیب واقع می‌شود. «پیپ» و «هربرت» سعی می‌کنند به «مگ ویچ» کمک نمایند تا بتواند از لندن بگریزد، اما اقدام آنها شکست می‌خورد و «مگ ویچ» به‌زندان می‌افتد. در لحظه‌های آخر عمرش درمی‌یابیم که «استلا» دختر او بوده است. پیپ به‌منزل خانم «هاویشام» بازمی‌گردد و تمام ماجرا را برای «استلا» توضیح می‌دهد. خانم «هاویشام» که در روز عروسی‌اش جشن را برهم زده و اتاق صرف شام میهمانی را در تمام طول این سال‌ها دست نخورده باقی گذاشته، در اثر حادثه‌ای در حالی که لباس عروسی سال‌ها قبل را به‌تن دارد در آتش‌سوزی خانه‌اش جان می‌سپارد. «پیپ» متوجه می‌شود که «استلا» نیز تارک دنیا شده است. او با پیشنهاد ازدواج به «استلا»، سعی می‌کند متقاعدش کند که در بیرون از این خانه دیدنیهای بی‌شماری وجود دارد، چیزهایی که در این خانه پوسیده نمی‌تواند وجود داشته باشد.



برخورد کوتاه

Brief Encounter

کارگردان: دیوید لین. نویسندگان فیلمنامه: نوئل کووارد، دیوید لین، آنتونی هاوлак آلن، بر مبنای نمایشنامه «زندگی آرام» نوشته ن. کووارد، فیلمبردار: رابرت کراسکر. طراح صحنه: ال. پی. ویلیامز. موسیقی: کنسرتو پیانوی شماره ۲ اثر راخمانینوف. تدوین: جک هریس. بازیگران: سلیا جانسون (لورا جانسن)، ترور هاوارد (آلک هاروی)، سیریل ریموند (فرد جنس)، اورلی گریگ (دالی مستر). سیاه و سفید، ۸۶ دقیقه. محصول سینه گیلد ۱، انگلستان ۱۹۴۵.

خلاصه داستان: «لورا» زن خانه‌دار حومه‌نشینی که صاحب فرزند است و از دست شوهرش خسته شده در ایستگاه راه آهن با دکترای به نام «هاروی» آشنا می‌شود، که او نیز خود متاهل است. آنها عاشق یکدیگر می‌شوند، اما زن غفیف باقی می‌ماند و بالاخره مرد را روانه شهر می‌کند و خود نیز نزد شوهرش بازمی‌گردد.

نیکلاس نیکلیبی

Nicholas Nickleby

کارگردان: آلبرت کاولکانتی. نویسنده فیلمنامه: جان دایتون، براساس داستانی از چارلز دیکنز. تدوین: لسلی نورمن. موسیقی: لرد برنرز. فیلمبردار: گوردون دیش. بازیگران: سدریک هاردویک، استلی هالووی، آلفرد درایتون، سیریل فلچر، برنارد میلز، درک باند، سالی آن هاوز، مری مرال، ساییل تورندایک، وراپیرس. سیاه و سفید، محصول سال ۱۹۴۷، انگلستان به مدت ۱۰۸ دقیقه.

خلاصه داستان: نیکلاس نیکلیبی پس از مرگ پدر به همراه ادر و خواهرش کیت به لندن می‌آید تا طبق وصیت پدر، نزد عمویش رالف نیکلیبی زندگی کند. عموی او در آموزشگاه شخصی به نام اسکوتیز در قبال دریافت پول از والدین کودکان، آنان را به کارهای سخت وادار کرده، از آنها سوءاستفاده می‌کند. نیکلاس با اسکوتیز درگیر می‌شود و یکی از بچه‌های بی‌سرپرست به نام «اسمایک» را همراه خود می‌برد. سپس در یک گروه نمایشی برای نیکلاس و اسمایک کار پیدا می‌شود، اما پس از مدتی نامه‌ای از سوی خانواده نیکلاس به دستش می‌رسد که در آن نوشته شده عمویش با شرکت دادن خواهرش کیت در محافل اشرافی فاسد قصد دارد از او سوءاستفاده کند. «نیکلاس» به لندن بازمی‌گردد و سرپرستی خانواده‌اش را بر عهده می‌گیرد. او به‌طور اتفاقی با دختری به نام «مادلن» آشنا می‌شود که پدرش به دلیل بدهی کلانی که به رالف نیکلیبی دارد حاضر می‌شود در مقابل، «مادلن» را به عقد «رالف» درآورد. نیکلاس در یک شرکت تجاری به عنوان مترجم فرانسوی مشغول به کار می‌شود. و از سوی دیگر، «اسکوئیز»، به لندن بازمی‌گردد و اسمایک را می‌یابد و او را تا سرحد مرگ کتک می‌زند. «نیکلاس» مجدداً او را می‌یابد و از دست اسکوتیز نجات می‌دهد. «نیکلاس» مراسم ازدواج «مادلن» و عمویش را به هم می‌زند و «مادلن» را به خانه می‌برد. «اسمایک» بر اثر شکنجه‌های «اسکوئیز» می‌میرد و «رالف نیکلیبی» توسط مستخدم خود درمی‌یابد که «اسمایک» فرزند واقعی او بوده است. رالف که حیثیت و اعتبارش را از دست داده است، خود را به دار می‌آویزد. «نیکلاس» با «مادلن» و نیز برادرزاده صاحبکار «نیکلاس» با «کیت» ازدواج می‌کنند.

مندی

Mandy/ the crash of silence

کارگردان: الکساندر مکندریک. نویسندگان فیلمنامه: نیجل بالچین، جک وایتینگهام، بر مبنای داستان «این روز مال ماست» نوشته هیلدا لوئیس. فیلمبردار: داگلاس اسلوکومب. موسیقی: ویلیام آلوین.



بازیگران: جک هاوکینز، ترنس مورگان، گادفری تیرل، فیل کالورت، دورتی آلیسون، مندی میلر. سیاه و سفید، محصول ۱۹۵۲، انگلستان

خلاصه داستان: زن و شوهر جوانی دارای دختری به نام «مندی» هستند. آنان پس از گذشت دو سال از زندگی مندی درمی یابند که مندی مادرزاد لال است. مادر تصمیم می گیرد نام دخترش را در مدرسه کر و لال ها بنویسد ولی شوهر و خانواده وی مخالفت می کنند. آنان این کار را در خورشان و موقعیت خانوادگی شان نمی دانند و ترجیح می دهند برای او یک معلم خصوصی بگیرند. عاقبت مادر تصمیم می گیرد فرزندش را به شهر دیگری ببرد و آموزش او را شروع نماید. سرانجام موفق می شود و با اولین کلمه ای که فرزندش می گوید: «مادر»، پاداش خود را می گیرد. کتاب «هیلدا لوئیس»، پس از انتشار در ردیف آثار پر خواننده بوده و موضوع پراحساس و لطیف آن مورد توجه قرار گرفته است. اما موضوع لطیف و عاطفی زندگی «مندی»، جامه فیلمنامه ای ضعیف و کم مایه دربر کرد و بر تصویری بی رنگ و بو ثبت شد. این داستان در فیلم، شکل شرح حالی را یافت، فاقد جنبه های دراماتیک و زیبایی های تصویری، و خلاصه شد در مجموعه ای از دیالوگ های بی ارتباط با هم، صحنه های خشک و خالی و تصاویری بی روح و به دور از احساس و لطافت.

The Spanish Gardener

باغبان اسپانیایی

کارگردان: فیلیپ لیکاک. نویسندگان فیلمنامه: لسلی استورم، جان بریان، برنای داستانی نوشته ا.جی. کرین. فیلمبردار: کریستوفر چالیس. موسیقی: جان ویل. بازیگران: درک بوگارد (خوزه)، مایکل هوردن (هرینگتن براند)، جان ویتلی (نیکلاس براند)، سیریل کوزاک (گارسیا)، مورین سوانسون (ماریا). محصول سال ۱۹۵۶. انگلستان

خلاصه داستان: «هرینگتن براند»، دیپلماتی که از همسرش جدا شده، به همراه پسر کوچک کناره گیرش، «نیکلاس» به یک بندر کوچک اسپانیا نقل مکان می کند. او ویلایی را برای سکونت در اختیار می گیرد. در «ایویلا» و زندگی جدید، باغبانی به نام «خوزه» شوهر و پیشخدمتی به نام «گارسیا» و همسرش «ماگدالنا» همایش می کنند.

به زودی رابطه دوستانه ای میان «خوزه» و «نیکلاس» به وجود می آید. «هرینگتن» از توجهی که پسرش به یک غریبه پیدا کرده راضی نیست و به عنوان مختلف سعی می کند رابطه آنان را برهم بزند. «گارسیا» هم که شخص نابابی است سعی دارد «خوزه» را بد جلوه بدهد. تا اینکه با یک صحنه سازی توسط «گارسیا»، «خوزه» به زندان می افتد. «هرینگتن» بی بهانه «گارسیا» می برد اما دیگر دیر شده است. «خوزه» از زندان فرار کرده و «نیکلاس» به دنبال او به کوه ها رفته است... داستان کلاسیک کرانین معادله های سینمایی بسیاری داشته و روابط بی آرایش کودکان با طبیعت (از طریق مردان جوانی که مواهب آن را درک کرده اند و به کارش می گیرند) دستمایه بسیاری فیلم های دیگر هم قرار گرفته است.

خرابکاری

Sabotage

کارگردان: آلفرد هیچکاک. نویسنده فیلمنامه: چارلز بنت، براساس رمانی نوشته جوزف کنراد، اقتباس از: آلماره ویل. گفت وگوها اضافی: یان هی، ای.وی. اچ. امت و هلن سیمپسون. فیلمبردار: برنارد ناولز. تدوین: چارلز فرنند. موسیقی: تویس له وی. طراحان دکور: اتو ورن دورف و آلبرت جولون. طراح لباس: جی. استراسنر.

بازیگران: سیلویا سیدنی (سیلویا ورلاک)، اسکار هومولکا (شوهر او، ورلاک)، دزموند تستر (برادر سیلویا)، جان لودر (تسد، کارآگاه)، جوئیس باربور (زنه)، ماتیو بلتن (ناظر)،





سی. جی. وارمینگتون، ویلیام دوهورست، پیتربول، تورین تاچر، آوستین ترهور، کلیر گریت، سام ویسکینسون، سارا آل گود، مارتینا هانت، پامه لایوان.

تهیه کنندگان: مایکل بالکن، آیور مونتگگ. محصول گامونت بریتیش. ۷۷ دقیقه، سال ۱۹۳۶ انگلستان

خلاصه داستان: بر اثر یک خرابکاری، برق لندن قطع می شود. شخص خرابکار که فعالیت هایش را در ظاهر آرام مدیر یک سینما پنهان می کند، همراه همسرش و برادر کوچک او روزگار می گذرانند. خرابکار دستورات تازه ای را دریافت می کند. جاسازی یک بمب در مترو، پسر کوچک طبعاً بی خیر از محتوای بسته ای که باید حمل کند، در خیابان پرسه می زند و بمب همراه با او در اتوبوس منفجر می شود. زن جوان به شوهرش مظنون می شود و پس از تحقیقات، شک او به یقین تبدیل می شود. زن مرد را با چاقو می کشد و فرار می کند. پلیس برای دستگیری خرابکار سر می رسد. یک انفجار تصادفی مانع از کشف جنایت زن جوان می شود و او با بازرس پلیس، زندگی تازه ای را آغاز می کند.

The Farmer's wife

همسر مزرعه دار

کارگردان: آلفرد هیچکاک. نویسنده فیلمنامه: الیوت استانارد، براساس نمایشنامه ای از ادن فیل پاتر. فیلمبرداری: جک کاکر. تدوین: آلفرد بوت.

بازیگران: لیلیان هال دیویس (آرامینتا دنج، دختر جوان)، جیمسون تاماس (ساموئل سوئیت لند)، مود جیل (تیرزا تاپر)، گوردون هارکر (چردلس اش)، لوئیز پاوندنز، اولگا اسلید، آنتونیا برو. تهیه کننده: جان مکس ول.

محصول بریتیش ایتر نشنال پیکچرز، مدت ۶۷ دقیقه سال ۱۹۲۸، انگلستان
خلاصه داستان: دهقانی میانسال تصمیم دارد پس از گذشت پنج سال از مرگ همسرش، دوباره ازدواج کند. او با کمک پیشخدمتش فهرستی از زنانی که ممکن است با آنها ازدواج کند، ترتیب می دهد و به آنها سر می زند.

هر کدام از زن ها خودشان را سردتر و تحمل ناپذیرتر از دیگری نشان می دهند. دهقان سرخورده، در پایان با پیشخدمتش که مدت ها به طور پنهانی عاشق او بوده ازدواج می کند.

مردی که زیاد می دانست THE MAN WHO KNEW TOO MUCH

کارگردان: آلفرد هیچکاک نویسنده فیلمنامه: آل. ر. وایس وین. اموند کرین وود، براساس موضوع اصلی، نوشته جانترت و دی. سی. وندهم. لوئیز پاوندنز، لورن کورانت تدوین: آج سنت سی استیوارت موسیقی: آرتور بنجامن. نویس: ل. وی. فراجان. لورن کورانت، بامر براد.

بازیگران: لیلیان بنکر، ادنا سم، سیر لورده، فرانک وینر، هجو ویک فیلد، نوایل سم، بی. بر فرد نه، جرج لور زون، سیسلی او. اس. دی. آلتزک اسمیت

محصول انگلستان ۱۹۳۴، ۷۴ دقیقه

خلاصه داستان: یک خانواده انگلیسی، آخرین حملات یک مأمور مخفی را در سن مورس دریافت می کنند که قرار است به یکی از شخصیت های مهم خارجی در «سرت هال» سوء قصد شود. دختر خانواده انگلیسی به انگیزه ساکت، نگه داشتن آنها در دیده می شود. زن و شوهر در حمایت رانندگان دخترسان به لندن می آیند، زن در آخرین لحظه، هنگامه می خواهد. در وسط کنسرت به سانسمدار مورد نظر سناک کنند، جان ویت را نجات می دهد. در پایان پلیس، متر جنسوسر جا را محاصره کرده و همهی آنها نسه می شوند و دختر نیز آزاد می شود.

برخورد کوتاه

BRIEF ENCOUNTER

کارگردان: دیوید لین نویسنده فیلمنامه: نوتل کووارد فیلمبردار: رابرت کراسگر طراح صحنه

ال. پی. ویلیامز، تدوین: حک هریس.

بازیگران: سلینا جانسون، تره ور هاوارد، استنلی هالووی، سیریل ریچموند.

محصول انگلستان ۱۹۴۵، ۸۶ دقیقه

خلاصه داستان: زن خانه‌دار حومه نشینی که صاحب فرزند است (جانسون) و از دست شوهرش (ریچموند) خسته شده در ایستگاه راه‌آهن با دکتر (هاوارد) آشنا می‌شود که او خود نیز متاهل است آنها عاشق یکدیگر می‌شوند اما زن عقیق باقی می‌ماند و سرانجام مرد را روانه شهر می‌کند و خود نیز نزد شوهرش باز می‌گردد.

سی و نه پله

THE THIRTY-NINE STEPS

کارگردان: آلفرد هیچکاک نویسنندگان فیلمنامه: چارلز بنت، آلماره ویل، براساس رمانی نوشته جان

باکن، فیلمبردار: برنارد لاولز، تدوین: درک نیوی ست موسیقی: لوتیس له وی، طراحان دکور: اشوورن

دورف، آلبرت جولین.

بازیگران: مدلین کارول، رابرت دانت، لوسی منهام، کادفری نزل، پکی اشکرافت، جان لوری، هلن

هی، فرانک که لی بر، پگی سیمسون، گاس مک نیون

خلاصه داستان: یک جوان کانادایی، «رجارد هنی» ضمن خروج از موزیک هال با زنی، روبرو می‌شود که از او طلب یاری می‌کند. این زن که مأمور مخفی است و برای کشور انگلستان کار می‌کند، می‌داند که جانش از جانب یک سازمان جاسوسی اسرار آمیز و سرومند، «سی و نه پله» در خطر است. شب هنگام، این زن جوان به ضرب چاقو از پا در می‌آید، و زمان جان دادن، مکانی را واقع در اسکاتلند به «هنی» نشان می‌دهد جایی که می‌بایست مأمورینش را از آنجا دنبال کنند پس از طی مراحلهای بسیار، «هنی» جاسوس را در هیئت یک پروفیسور آرام به نام «جوردان» می‌یابد و بلافاصله او را به پلیس لو می‌دهد. اما پلیس حرف او را باور نمی‌کند و به جرم قتل زن دستگیر می‌شود. او فرار می‌کند و این بار توسط عوامل گروه «سی و نه پله»، همراه با دختر جوانی به نام «پاملا»، که «هنی» داستانش را برای او تعریف کرده است، دستگیر می‌شود. فرار تازه‌ای همراه با «پاملا» صورت می‌گیرد. «هنی» و «پاملا» در می‌یابند مکانی که فرار است در آنجا مدارک به جاسوسان رسانده شود. در «تالادوم» لندن است آنها به آنجا رفته و «جوردان» را می‌دارند تا به آقای «حافظه»، مردی با حافظه قوی، سراندازی کنند و بدین ترتیب خودش را افشا کند، وی که سخت زخمی شده پیش از مرگ می‌تواند تا به زمان آوردن فرمول در مقابل پلیس، از بار ترانی که دارد خلاص شود.

